

DOI: 10.30495/jss.2021.1925431.1312

Research Paper

Measurement and evaluation of vitality dimensions in various public spaces of Tabriz metropolis

Seied Ali Arefhosini

Ph. D. student of geography and urban planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Ali Panahi

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Responsible author). E- mail: panahi@iaut.ac.ir

Ali Azar

Assistant Professor of Architecture and Urban Planning, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

Reza Valizade

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

The development of urbanization and urban density, the need to plan and design public spaces to encourage residents to properly use this type of space is more necessary than ever. The purpose of this study is to measure and evaluate the dimensions of vitality in various public spaces of Tabriz metropolis. This research is applied in nature and descriptive-analytical in terms of method. Assessment tools were field studies and questionnaires. The statistical population of the study is the users of public spaces in Tabriz; The sample size of the study includes 245 people which were selected by available sampling method from the visitors of public spaces of Tabriz. Cronbach's alpha coefficient obtained from the reliability of the measuring instrument (.868) was at an acceptable level. Multivariate analysis of variance (MANOVA) and Friedman test were used to analyze the data. The results of the present study show that, except of "cultural vitality", the rate of "social vitality", "economic vitality" and "physical vitality" are significantly different in all three categories of public spaces. Among the public spaces studied, in terms of social vitality, "active public spaces from the past to the present" has the highest rate and "active public spaces in the past" has the lowest rate. In terms of economic vitality, "active public spaces from the past" has the highest rate and "active public spaces in the past" has the lowest rate, and in terms of physical vitality, "active public spaces from the past" has the highest rate and "active public spaces in the past" has the lowest rate. It can also be said with 99% confidence that the components of vitality including "social vitality", "economic vitality", "cultural vitality" and "physical vitality" are not at the level of equality; So that "physical vitality" has the highest satisfaction and "economic vitality" has the lowest satisfaction in the public spaces of Tabriz. The components of "cultural vitality" and "social vitality" are in the second and third ranks, respectively. Therefore, by strengthening the components related to "economic vitality" and "social vitality", the vitality of public spaces in Tabriz can be significantly increased in order to realize citizenship rights and increase social interactions.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Environment Quality, Public Space, Vitality, Multivariate Analysis of Variance (MANOVA), Tabriz Metropolis.*

سنجش و ارزیابی ابعاد سرزندگی در انواع فضاهای عمومی کلانشهر تبریز^۱

سیدعلی عارف حسینی^۲

علی پناهی^۳

علی آذر^۴

رضا ولی‌زاده^۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

چکیده

توسعه شهرنشینی و تراکم شهری، نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی برای تشویق ساکنین برای استفاده مناسب از این نوع فضاها بیش از پیش ضرورت دارد. هدف تحقیق سنجش و ارزیابی ابعاد سرزندگی در انواع فضاهای عمومی کلانشهر تبریز می‌باشد. این تحقیق به لحاظ ماهیت از نوع کاربردی بوده و از لحاظ روش، پیمایشی می‌باشد. ابزار سنجش، پرسشنامه بوده است. جامعه آماری پژوهش بازدیدکنندگان از فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد که حجم نمونه پژوهش شامل ۲۴۵ نفر است که به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین بازدیدکنندگان از سه طبقه فضای عمومی شهر تبریز انتخاب گردیدند. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده (۰/۸۶۸) در سطح قابل قبولی بوده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) و آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد به غیر از «سرزندگی فرهنگی» میزان «سرزندگی اجتماعی»، «سرزندگی اقتصادی» و «سرزندگی کالبدی» در هر سه طبقه فضاهای عمومی تفاوت معناداری دارد. به طوری که در بین فضاهای عمومی مورد بررسی، از نظر سرزندگی اجتماعی «فضاهای عمومی فعال از

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «پایش فضایی سرزندگی در فضاهای عمومی شهری با رویکرد کیفیت محیطی (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز)» با راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: panahi@iaut.ac.ir

۴. استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۵. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

گذشته تاکنون» دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» دارای کمترین میزان است. از نظر سرزندگی اقتصادی «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» دارای کمترین میزان و از نظر سرزندگی کالبدی فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» دارای کمترین میزان است. هم‌چنین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان کرد چهار مؤلفه سرزندگی در سطح برابری نیستند؛ به طوری که «سرزندگی کالبدی» دارای بیشترین رضایت و «سرزندگی اقتصادی» دارای پایین‌ترین رضایت در فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد. مولفه‌های «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی اجتماعی» به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم هستند. بنابراین با تقویت مولفه‌های مربوط به «سرزندگی اقتصادی» و «سرزندگی اجتماعی» می‌توان میزان سرزندگی فضاهای عمومی شهر تبریز را در راستای تحقق حقوق شهروندی و افزایش تعاملات اجتماعی به میزان قابل توجهی افزایش داد.

واژگان کلیدی: کیفیت محیط، فضای عمومی، سرزندگی، تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا)، کلانشهر تبریز.

مقدمه

مفهوم کیفیت زندگی شهری به تازگی دغدغه اصلی در جغرافیا و سیاست شهری است. از لحاظ تاریخی، زمانی که ایده‌های «سرزندگی» و کیفیت زندگی در ابتدا در طی انقلاب صنعتی درک شد، سرزندگی شهری به طور عمده بر پایه پایداری، از جمله بهداشت، دسترسی به خدمات، نرخ جرم و کیفیت مسکن (۳۸)، قابل درک بود. با این وجود، در نسل گذشته، برنامه‌ریزان، ایالت‌ها و محققان برای تبیین شرایط اجتماعی - روان‌شناختی و ارزیابی و تجربیات زندگی شهری اندازه‌گیری و ارزیابی شاخص‌هایی که بیشتر با کیفیت فضای زندگی شهری مرتبط است، از جمله دسترسی به فضاهای پارکینگ، تعداد پیاده-روهای محافظت شده و خیابان‌های عمومی (محوطه) بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (۳۹).

برای اولین بار در تاریخ، جمعیت جهان در سال ۲۰۰۸ به نقطه‌ای رسید که بیش از نیمی از آن (حدود ۳/۳ میلیارد نفر) در نقاط شهری زندگی می‌کردند و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ این رقم به حدود ۵ میلیارد نفر خواهد رسید. این امر در حالی است که رشد جمعیت شهری در آفریقا و آسیا بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد (۱۰). در ایران، نیز میزان شهرنشینی طی هشت دوره سرشماری به شدت افزایش یافته (۶۰). این افزایش جمعیت شهری (زندگی شهرنشینی) هر چند توانسته پتانسیل اقتصادی شهرها را برجسته نماید؛ اما درکنار مزایای خود هزینه‌های انسانی و محیطی بی‌شماری را به شهرها تحمیل کرده است. بخش قابل توجهی از ساکنان جدید شهرها را فقرا و شهری شکل داده‌اند که در شرایط نامناسب، آلوده و مخاطره آمیز زندگی می‌کنند. معضلی به نام اسکان غیر رسمی رو به افزایش است و ساکنان شهرها در ابعاد متفاوت از تعارضات اجتماعی رنج می‌برند و حقوق

شهروندی شهروندان در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود. در ایران نیز به شکلی مشابه، نابرابری‌های موجود در عرصه عمومی شهر چون فقر و طرد اجتماعی، تبعیض جنسیتی، خشونت و انسداد اجتماعی و ... به سر حد مسائل شهری رسیده‌اند (۴۷). از این رو ایجاد یک چارچوب قانونی و سیاسی به منظور شکوفایی برابری و عدالت اجتماعی، چالش اصلی پیشروی سیاست‌گذاران شهری در ایران محسوب می‌شود که در حقیقت بخش بزرگی از آن در فضاهای عمومی شهر تجربه می‌شود (۳۱).

اغلب کیفیت فضاهای عمومی نشان‌دهنده کیفیت کلی زندگی شهری است، برای همین در ادبیات طراحی شهری و برنامه ریزی شهری به اهمیت فضاهای عمومی تأکید دارند (۱۳). بی‌تردید محیط شهری موفق و سرزنده محیطی است که استعدادها را پرورش داده و جذب می‌کند؛ شهری که مولد تحقیق و پژوهش بوده و قادر است بخش‌های جدیدی را به ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مدیریتی شهر بیفزاید و فرصت‌های جدیدی را بدین شکل برای شهرها در مقیاس ملی و فراملی ایجاد کند (۳۱).

همان‌طور که بسیاری از محققین شهری بیان کرده‌اند فضاهای عمومی از عناصر مهم یک شهر هستند که نقاط جذاب و بی‌نظیر آن را تعریف می‌کنند. عده‌ای معتقدند که در سکونتگاه‌های شهری قبل از مدرنیسم فضاهای عمومی مانند میادین شهری و بازارها، به عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و در حقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان‌پذیر می‌ساختند قلمداد می‌شده‌اند (۳۶). علاوه بر این فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می‌شوند. در حقیقت این فضاها فراتر از مکان‌هایی صرفاً برای تفریح هستند. همان‌طور که گودمن^۱ بیان می‌کند این مکان‌ها عناصر حیاتی در محیط ما هستند که در عین حالی که دارای عملکردهای مثبت و ضروری بوده فرصت‌هایی نیز جهت تفریح مردمان فراهم ساخته و از منابع طبیعی حفاظت کرده و بر طیف وسیعی از تصمیمات توسعه اقتصادی اثر می‌گذارند (۴۹). گودمن معتقد است که امروزه شهرهای بزرگ اغلب توسط فضاهای عمومی وسیع‌شان شناخته می‌شوند و کیفیت عملکردهای این فضاها یکی از ابزارهای سنجش قدرت‌مندی شهرها و توانایی آن‌ها در ایجاد تفریح و سرگرمی، زیبایی‌های طبیعی و فضاهای باز برای شهروندان می‌باشد. فضاهای عمومی در مقولاتی نظیر ایجاد و تقویت غرور شهری، افزایش گردشگری و سرمایه‌گذاری اقتصادی و کمک در افزایش گردشگران و سرمایه‌گذاری در الگوهای در ایجاد سلامتی و بهبود کیفیت زندگی نیز به شهرها سود رسانده‌اند (۵۰)، و نقش عمده‌ای در الگوهای برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی کردن محلات دارند. کالتروپ^۲ در همین چارچوب در اعتراض به کاهش نقش این فضاها در فرآیندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر خاطر نشان می‌سازد که کیفیت فضای عمومی در شهرها به طرز محسوسی کاهش یافته است. فضاهای عمومی شهری که در زمان‌های

1. Goodmann

2. Calthorpe

مختلف شکل‌گیری هر شهر ایجاد شده‌اند نماینده تاریخ هویت گذشته و روند تغییرات شهرها هستند؛ شناسائی و تلاش برای حفظ و نگهداری آن‌ها توأم با برنامه‌ریزی و ساماندهی فضاهای مذکور یکی از محوری‌ترین مواردی است که در برخورد با هر شهر و برنامه‌ریزی برای آن بایستی مدنظر باشد (۱۲).

کلانشهر تبریز به عنوان مهد علم و ادب، دومین شهر صنعتی، دانشگاهی، دومین قطب علوم پزشکی، دومین شهر در جذب گردشگر سلامت در ایران و دارای مناطق با تنوع فرهنگی و خرده فرهنگ‌های متعدد پیشینه غنی تاریخی و آثار هنری محلی و صنایع دستی اصیل، متنوع و با کیفیت را دارا می‌باشد (۵۳)، که افزایش جمعیت و رشد بی‌رویه شهر مسائل و مشکلات زیادی را در عرصه‌های شهری به وجود آورده که پدیده‌هایی چون حاشیه‌نشینی، بافت‌های ناکارآمد، معضلات زیست محیطی از آن جمله است. در این راستا نه تنها فضاهای عمومی شهری مورد تهدید قرار گرفته بلکه نقش و کارکرد آن‌ها هم بسیار کم‌رنگ شده است. از این رو از طریق شناسائی و تفکیک انواع فضاهای عمومی است که برنامه‌ریزان شهری قادر خواهند بود که متناسب با هر فضا برنامه‌ریزی خاص و مناسب با آن را دنبال کنند. مقوله‌ای که در حال حاضر در برنامه‌ریزی شهرهای ایران توجه جدی به آن نشده است. از این رو بررسی سرزندگی فضاهای عمومی ضرورت پایه‌ای برای برنامه‌ریزی توسعه شهری محسوب می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سرزندگی فضاهای عمومی شهری تبریز گام به عرصه تحقیق نهاده است؛ بر این مبنا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال می‌باشد که انواع فضاهای عمومی شهری تبریز از لحاظ شاخص‌های سرزندگی در چه وضعیتی می‌باشد؟ و توجه به کدام شاخص‌ها جزو اولویت‌های اقدام در راستای سرزنده کردن فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

پورمحمدی و همکاران (۴۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل پایداری و سرزندگی مناطق تبریز با تاکید بر امنیت شهری با نگرش جامعه‌شناختی» به این نتیجه رسیدند که بین مشارکت ساکنین و امنیت شهروندان و بین دو متغیر میزان درآمد و سرزندگی افراد همبستگی مستقیم وجود دارد.

خستو و سعیدی رضوانی (۲۸)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری (خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده)» عوامل وجود مراکز خرید، وجود مغازه‌های خوراکی فروشی، وجود موسسات و سازمان‌ها، وجود بناهای خاص (مذهبی و فرهنگی)، حضور گیاهان و آب‌نما، برگزاری مراسم و جشن‌های خیابانی، بهسازی فضای خیابان (کف‌سازی، نماها)، ایجاد فضاهای نشستن، ایجاد فضای کافی جهت عبور عابرین، اصلاح تابلوها و نمای ساختمان‌ها، ایجاد جای پارک دوچرخه و موتور، تغییرات در نورپردازی خیابان، ایجاد تنوع رنگ در فضای خیابان، ایمنی عابران پیاده (از اتومبیل‌ها)، امنیت اجتماعی عابران پیاده، اختصاص دادن خیابان به عابران پیاده، وجود

دستفروش‌ها، آب و هوا، روحیه مردم، فرهنگ مردم، نوع فعالیت‌های فردی و گروهی و میزان دسترسی به خیابان را به عنوان عوامل موثر در سرزندگی فضاهای شهری معرفی نمودند.

پورمحمدی و کوشانه (۴۴)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس (مطالعه موردی: شهر تبریز)» با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش تاپسیس و نرم‌افزار GIS و SPSS به ارزیابی کمی فضاهای عمومی مناطق نه‌گانه تبریز پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند بین مناطق شهر تبریز عدم تعادل فیزیکی و نابرابری‌های توسعه یافتگی از نظر شاخص‌های مختلف وجود دارد.

طیبیان و موسوی (۵۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش زیباسازی و ارتقاء کیفیت محیط بر سرزندگی شهری (مطالعه موردی: باغشهر تاریخی مراغه)» به بررسی متغیرهای فضای پیاده راه و آسایش پیاده، امکان اختلاط اجتماعی، خلق فضای تعامل و فضای پیاده، فضای شهری با کیفیت، هویت‌مداری با احیا و زیباسازی، آثار و ابنیه تاریخی، هنری و غیره، نورپردازی مناسب و تنوع فرم و رنگ در منظر شهر، مبلمان شهری، تأسیسات عمومی مناسب، خلایقانه و زیبا، ایمنی و امنیت در مکان-ها و فضاهای عمومی شهری، تنوع فعالیت‌ها در عرصه همگانی و نبود مشاغل مزاحم، همه‌شمولی فضا و تنوع استفاده کنندگان، کارآیی، پاکیزگی و زیبایی محیط، همسازی با طبیعت و پوشش گیاهی و فضای سبز مناسب و نفوذپذیری و سهولت حرکت و دسترسی پرداخته‌اند.

حبیبی و همکاران (۲۶)، در مقاله‌ای با عنوان «سنجش و ارزیابی سرزندگی فضاهای عمومی شهری و نقش آن در ارتقاء کیفیت زندگی جوانان (مطالعه موردی: خیابان نظرشرقی شهر اصفهان)» بر مبنای تحلیل رگرسیون چندمتغیره سلسله‌مراتبی به این نتیجه رسیده‌اند که سرزندگی محیطی برای جوانان اهمیت زیادی داشته و بین وضعیت تحصیلی و درک سرزندگی فضای شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد، به طوری که با افزایش تحصیلات درک سرزندگی افزایش می‌یابد.

احمدی (۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت سرزندگی بافت‌های هدف برنامه‌های بازآفرینی شهری و ارائه راهکارهای ارتقاء آن (مطالعه موردی: محله شیوا، تهران)» از طریق تکنیک تحلیل عاملی ابعاد تنوع کالبدی و عملکردی، شبکه ارتباطی، خدمات و تجهیزات شهری، ویژگی‌های کمی و کیفی معابر و آسایش را مورد بررسی قرارداد و به این نتیجه رسید که تنوع مهم‌ترین عامل افزایش دهنده سرزندگی در محله شیوا و ضعف دسترسی مهم‌ترین عامل در کاهش آن است.

رحیمی و جعفری (۴۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی سرزندگی در فضاهای تجاری تاریخی و مدرن شهر تبریز (مطالعه موردی: بازار تاریخی و برج بلور تبریز)» با استفاده از آزمون میانگین و T تک نمونه‌ای به بررسی شاخص‌های خوانایی، دسترسی، راحتی و آسایش، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، فعالیت‌پذیری و انعطاف پرداخته و به این نتیجه رسیدند بازار تاریخی تبریز از اجتماع‌پذیری و سرزندگی بیشتری برخوردار بوده است.

میکائیلی و آذر (۳۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و ارزیابی تطبیقی سرزندگی شهری در محله‌های اختصاصی و محلات سنتی با رویکرد توسعه پایدار در جغرافیا (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز)» به بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، محیطی و اقتصادی سرزندگی پرداختند و به این نتیجه رسیدند تفاوت معناداری بین پایداری و سرزندگی محلات سنتی و اختصاصی وجود دارد.

عینالی و همکاران (۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی شیوه‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی بعد از سانحه زلزله با تاکید بر سرزندگی روستایی (مطالعه موردی: دهستان دستجرده شهرستان طارم)» با استفاده از آزمون‌های آماری نظیر t تک نمونه‌ای، t دو نمونه‌ای و کروسال والیس به بررسی شاخص‌های سرزندگی، آسایش، بهداشت محیط، ایمنی و امنیت، زیرساخت‌ها و زیباشناسی پرداختند. رومیانی و همکاران (۵۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نگرش و انتظارات روستائیان از فضاهای عمومی در راستای ارتقای کیفیت سرزندگی (مطالعه موردی: دهستان دهدشت غربی- شهرستان کهگیلویه)» با استفاده از آزمون‌های آماری فریدمن، رگرسیون و t نمونه‌ای به بررسی متغیر مستقل انتظارات از فضای عمومی (لذت، آسایش، محافظت) و متغیر وابسته سرزندگی روستایی (سرزندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی) پرداختند.

پورمحمدی و همکاران (۴۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سرزندگی و رابطه آن با انتخاب نواحی مسکونی (مطالعه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر زنجان)» با تحلیل رگرسیون به بررسی شاخص‌های فضای اجتماع‌پذیر (فضای عمومی، پارک و فضای سبز، تنوع فعالیتی، حمل و نقل عمومی و فضای نشستن)، دلپذیری و زیبایی (مسیرهای دوچرخه، نورپردازی مناسب، نشانه‌ها، زیبایی محله، فعالیت‌های آلوده‌زا و زیبایی نمای ساختمان‌ها)، عوامل جرم‌زا (کانون‌های بزهکاری، محیط‌های ناسالم و معابر باریک) و پاسخگویی اجتماعی کالبدی (نشاط اجتماعی، تنوع کالبدی و حضور زنان) پرداختند. پناهی و همکاران (۴۲)، در مقاله‌ای با عنوان سنجش و ارزیابی بعد ذهنی زیست‌پذیری در بافت‌های شهری کلانشهر تبریز با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) به بررسی ۵ بعد زیست‌پذیری در بافت قدیم و جدید کلانشهر تبریز پرداختند.

لاندری^۱ (۳۰)، در مقاله‌ای با عنوان «سرزندگی شهری منبع جدیدی از رقابت شهری» ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده بر می‌شمارد که عبارتند از: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. بدلند و همکاران^۲ (۹)، در مقاله‌ای با عنوان «درس‌هایی از استرالیا برای کشف شاخص‌های اندازه-گیری سلامت اجتماعی» با اهداف جمع‌آوری تعاریف سرزندگی شهری و ویژگی‌های اجتماعی سلامت،

1. Laundry
2. Badland & etal

ترکیب شاخص‌های مختلف سرزندگی و ارزیابی کیفیت زندگی آن‌ها با لنز سلامت و رفاه انسانی با روش کیفی پرداخته‌اند.

آتولیا^۱ (۶)، در مقاله‌ای با عنوان «یک چارچوب برای بررسی جامعه قابل سکونت در محیط مسکونی، مطالعه موردی: مسکن عمومی در میدان اندونزی» به این نتیجه رسید که عوامل طبیعی و ساخته شده مانند رفاه اقتصادی، ثبات اجتماعی و عدالت، فرصت‌های آموزشی و فرهنگی، سرگرمی، فرصت‌های تفریحی و محیط طبیعی بر کیفیت زندگی اثرگذارند.

آوریا^۲ (۷)، در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های سرزندگی (مقایسه کیفیت زندگی در مناطق شهری NYC برای کمک ساکنان خود برای جامعه بهتر)» که عوامل موثر بر کیفیت زندگی ساکنین در محله‌های نیویورک را شناسایی می‌کند که این عوامل عبارتند از: خدمات بهداشتی و انسانی، جوانان، آموزش و رفاه کودکان، امنیت عمومی، زیرساخت‌ها و خدمات شهر، استفاده از زمین، مسکن و توسعه انسانی، حمل و نقل، امکانات اجتماعی، پارک‌ها و امکانات فرهنگی.

لینوت و همکاران^۳ (۳۳)، در مقاله خود با عنوان «شاخص‌های کیفیت زندگی (تبدیل جوامع برای همه قرون)» که عبارتند از: شاخص‌های فرصت، مسکن، سرگرمی، سلامتی، محیط، حمل و نقل و همسایگی را به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی معرفی کرده‌اند.

اونوم و همکاران^۴ (۳۷)، در مقاله‌ای با عنوان «توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از مدل‌های جغرافیایی چند معیاره در کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی: منطقه کون کائ^۵ تایلند)» شاخص‌های (ایمنی، اقتصاد، محیط زیست، آموزش، بهداشت، حمل و نقل، تفریح، تراکم جمعیت و سودمندی عمومی) با استفاده از GIS و از طریق فرایند تحلیلی سلسله‌مراتب (AHP) را بررسی نموده‌اند. با توجه به پیشینه پژوهش تمامی شاخص‌ها به صورت تاثیر یک سویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به تاثیرپذیری و تاثیرگذاری شاخص‌های بررسی کیفیت زندگی و در نهایت سرزندگی شهری این مقاله سعی دارد تاثیر دو سویه شاخص‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است؛ در صورتی که زیست‌پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقاء، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است. فضای شهری سرزنده مکانی است که در آن حضور مردم به طور وسیعی قابل مشاهده باشد چرا که محله علاوه بر بعد کالبدی، یک مکان اجتماعی نیز محسوب می‌گردد (۸).

1. Aulia
2. Aluria
3. Lynott & etal
4. Onnom & etal
5. Khon Kaen

مفهوم کیفیت محیط شهری و مؤلفه‌های آن از اواسط قرن بیستم در بین محققین مطرح شده و بر اساس شرایط زمانی و مکانی تغییر کرده و تکامل یافته است (۵۴). امروزه با گسترش مشکلات جوامع - انسانی و تشدید روز به روز آن‌ها و افت کیفیت شاخص‌های زندگی ساکنان مکان‌های مختلف، بررسی کیفیت محیط شهری بسیار قوت گرفته است (۵). با مرور تحقیقات، می‌توان دیدگاه‌های موجود در زمینه بررسی و تحلیل کیفیت محیط شهری را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

دیدگاه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری: در این دیدگاه محقق با شناخت محیط وضعیت کیفیت محیط را مورد شناسایی و سنجش قرار می‌دهد (۵۹). دیدگاه شناختی - روان‌شناسی: این دیدگاه بر نوع رابطه انسان و محیط تأکید می‌کند (۴۰)، و دیدگاه تحقیقات تجربی: بر اساس این دیدگاه معیار کیفیت محیط شهری، میزان رضایت ساکنان از محیط پیرامونی خود است (۵۵). در میان آثار زیاد و متنوعی که از آن‌ها پارامترهای کیفیتی محیط زندگی و فضاهای شهری استخراج شده است به نظریات چند نظریه‌پرداز و سازمان‌های فعال در عرصه طراحی شهری اشاره خواهد شد.

جین جیکوبز^۱ در سال ۱۹۶۱ در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی، پنج معیار را برای مطلوبیت محیط بیان می‌کند (۲۷). ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، استفاده از کاربردی مختلط چه به لحاظ تنوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت‌های مختلف در یک ناحیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت و اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیر بودن فضا. کوین لینچ^۲ در سال ۱۹۸۱ ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق‌معیار اعلان می‌دارد (۳۲). سرزندگی: امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناسی انسان در محیط شهر؛ معنی: نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛ دسترسی: سهولت نفوذ فیزیکی به بخش‌های مختلف بافت شهری؛ کنترل و نظارت: فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همگانی؛ سازگاری: انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و رفتارهای مختلف؛ کارایی: کارآ بودن هر یک از معیارهای فوق با توجه به هزینه؛ عدالت: پرداخت شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن هزینه کنند. هم‌چنین به دنبال این صاحب‌نظران، یان بنتلی^۳ و همکارانش در کتاب محیط‌های پاسخده، هفت معیار را برای ایجاد محیط‌های پاسخده بیان کرده‌اند (۱۰). نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسبات بصری، معنای حسی، رنگ تعلق، که در سال ۱۹۹۰ به دلیل نارسایی و کمبود مفاهیم در این عوامل، یان بنتلی سه معیار دیگر را به این عوامل افزود: کارایی در مصرف انرژی، نگهداری از اکوسیستم‌ها، پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی هوا). در سال ۲۰۰۰، در کتاب (به کمک

1. Jin Jikobz
2. Kevin Linch
3. Yan Bentley

طراحی)، کاری از وزارت محیط، حمل و نقل و مناطق و کمیسیون معماری و محیط مصنوع، مفاهیمی به عنوان اهداف عملیاتی طراحی شهری بیان شده است که به دلیل تاثیرگذاری به افراد، محرک-های فکری نیز نامیده شده‌اند. این مفاهیم که به نوعی بیان‌کننده کیفیت‌های مورد توجه در طراحی شهری می‌باشند عبارتند از (۱۶): هویت، تداوم محصوریت، کیفیت عرصه همگانی، سهولت حرکت، خوانایی، تطابق و تنوع. در همین زمینه، طبق مطالعات انجام گرفته توسط PPS بر روی بیش از ۱۰۰۰ قطعه فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف دنیا، چهار عامل اساسی برای سنجش مطلوبیت فضاهای عمومی شهری مطرح شده‌اند که به دلیل اهمیت و ارزش‌شان (عوامل کلیدی) نامیده شده‌اند که هر کدام از این عوامل خود دارای زیرکیفیت‌هایی است که به دلیل وابستگی‌شان به عوامل کلیدی، نام (عوامل درونی) بر آن‌ها نهاده شده است: دسترسی و ارتباطات، آسایش و تصویر ذهنی، کاربری‌ها، فعالیت‌ها و اجتماعی بودن (۶۰). همچنین بر اساس اندیشه فلوریدا با توجه به این که افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام‌بخشی و نمایش کارهای خود دارند، فضاهای عمومی می‌توانند کانونی جهت بروز خلاقیت و مکانی برای نشان دادن خلاقیت‌های هر شهروند باشند. همان گونه که مفهوم طبقه خلاق در اندیشه فلوریدا بر این موضوع تأکید دارد که شهرهایی که بتوانند مجموعه‌ای از افراد، شامل افرادی که در علم، مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر و سرگرمی ایده‌های جدید، فناوری نوین و یا محتوایی خلاقانه را عرضه می‌کنند و خلاقیت، مهارت و استعداد‌های فردی داشته و پتانسیل‌های لازم جهت کارآفرینی را به واسطه بهره‌برداری از دارایی هوش‌مندانه صاحبان‌شان دارند را در خود جای دهند و شبکه منسجمی از آن‌ها را در درون خود بسازند. اگر از مزایا و ویژگی‌هایی مانند مشارکت، هویت‌بخشی، ارزش اقتصادی و سرزندگی شهری، تنوع، جذابیت به عنوان عوامل کیفیت‌بخش به فضای عمومی شهری و به دنبال آن ارتقای کیفیت زندگی شهروندان برخوردار باشد، می‌تواند نقش بسیار مهمی را به عنوان جذب طبقه خلاق در ایجاد شهر سرزنده و شکوفایی شهری داشته باشد. علاوه بر بیان پارامترهای کیفیتی، نظریه‌پردازان در راستای مطالعات خود، مدل‌هایی برای طبقه‌بندی این کیفیت‌ها ارائه می‌دهند. چهار مدل عام در این زمینه عبارتند از: مدل لنگ، مدل کانتز، مدل اپیلیارد و مدل کرمونا و همکاران.

مدل لنگ^۱: لنگ بر اساس سلسله مراتب نیازهای انسانی که توسط مازلو^۲ بیان شده است، کیفیت‌های محیط را به ۶ قسمت دسته‌بندی کرده است و از آن جا که فضاهای عمومی شهری از جمله محیط‌های با اهمیت و مورد توجه در طراحی فضاهای می‌باشند، این طبقه‌بندی در این گونه فضاهای قابل تعمیم می‌باشند: کیفیت‌هایی که نیازهای ایمنی و امنیت انسان را بر طرف می‌سازند، کیفیت‌هایی که نیاز به تعلق و وابستگی را برطرف می‌سازند، کیفیت‌هایی که نیاز به عزت و حرمت

1. Key factors
2. Internal factors
3. lang
4. Mazlo

را بر طرف می‌سازند، کیفیت‌هایی که نیاز به خودسکوفایی را بر طرف می‌سازند و کیفیت‌هایی که نیاز به ادراک و زیبایی را بر طرف می‌سازند (۴۱). از جمله اشخاصی که محیط شهری را از دیدگاه نیازهای انسان مورد بررسی قرار داده است، آندره گوتن^۱ می‌باشد. از دیدگاه وی بحث و مطالعه پیرامون موضوع شهرسازی منوط به بررسی نیازها و احتیاجات بشر است. گوتن احتیاجات بشر را به دو دسته نیازهای جسمانی و نیازهای روحی- روانی، دسته‌بندی می‌کند. احتیاجات جسمی انسان برای زیستن، چون تنفس، تغذیه، استراحت و ... باید پایه و اساس شهرسازی قرار گیرند و احتیاجات روحی و روانی انسان مانند زندگی در جمع، فراغت، تفریح، آرامش فکری و روحی، برای تامین سعادت و شناخت افکار و روحیات افراد ضروری است. از نظر وی اگر محل سکونت انسان چه فردی و چه جمعی با توجه به نیازمندی‌هایش ساخته شود، وسایل خوش زیستی او فراهم شده است (۲۵).

مدل کانتر^۲: براساس مدل کانتر که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آن جا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، می‌توان مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری را به موازات مولفه‌های سازنده مکان تعریف کرد. به عبارت دیگر با اقتباس از نظریه^۳ مکان کانتر می‌توان گفت: کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مولفه که هر یک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه‌گانه؛ کالبدی، فعالیتی و تصورات محیط شهر است. قبل از کانتر، مولفه‌های مکان توسط (رلف^۴) در کتاب (مکان و بی‌مکانی) به صورت سه مولفه^۵ کالبد، فعالیت و معنی ارائه شده است (۴۵).

مدل گلکار^۴: گلکار از دیگر کسانی که در این زمینه مدلی ارائه کرده است که با الهام از مدل کانتر و در راستای تکمیل آن می‌باشد؛ به این ترتیب که از ترکیب ابعاد چهارگانه محیط، کالبد، فعالیت و تصورات، اکوسیستم، سه مولفه کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی- زیباشناختی و کیفیت زیست محیطی به مثابه نیروهای شکل دهنده کیفیت کلی طراحی شهری یک مکان استنتاج می‌شود (۲۳).

مدل اپیلارد^۵: دونالد اپیلارد، طرفدار رویکرد کنش متقابل ادراک بود. نظریه کنش متقابل به نقش تجربی ادراک تاکید دارد و رابط‌های پویا میان فرد و محیط را مبنای تحلیل قرار می‌دهد. در این نظریه ادراک، بخشی متقابل به حساب آمده است که در آن محیط، مشاهده‌گر و ادراک وابستگی متقابل دارند. ویلیام اتیلسن^۶ فرآیند را این گونه تعریف می‌کند (ادراک بخشی از فرآیند زندگی است

1. Andre Goten
2. Kanter
3. Rolf
4. Golkar
5. Apilard
6. Vilyam Etelsen

که به وسیله هر یکی از ما، دیدگاهی نظری خاص، برای خود جهانی را تصور می‌کنیم که در آن نیازهای ما ارضا می‌شود). بر طبق مطالعات بخش متقابل، مردم ادراکات خود را هم به شکل تجربی و هم ساختاری توصیف می‌کنند. توصیفات ساختاری، گزارش‌هایی از چگونگی ساختار کالبدی و اجتماعی محیط است و توصیفات تجربی شامل: حقیقت، احساسات و خودگزارشی می‌باشند. اپیلیارد در این اساس، اطلاعات ادراکی را به سه دسته تقسیم کرده است: اطلاعات عملی، اطلاعات استنباطی و اطلاعات پاسخگو (۲۹). با توجه به این دسته‌بندی، کیفیت‌های گوناگون فضای شهری (محیط) را می‌توان بر اساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان، سازماندهی کرد: کیفیت‌هایی که امکان انجام عملی توسط انسان را در خود دارند (حالت عملیاتی)، کیفیت‌هایی که احساسات انسان را بر می‌انگیزند حالت (واکنشی-عاطفی) و کیفیت‌هایی که در فهم معانی برای برانگیخته شدن احساسات و یا انجام فعالیت، به اشخاص کمک می‌کنند. در این حالت افراد برای حمایت فعالیت‌های (عملیاتی) و (واکنش-عاطفی) در جستجوی اطلاعات از محیط و در نهایت فهم معنی آن هستند که اطلاعات دریافت شده موجب آشکار شدن هویت محیط می‌شود (حالت استنباطی). در حقیقت آن چه در این مدل دارای اهمیت است این است که مردم در محیط به چه چیزهایی توجه می‌کنند و به چه چیزهایی اهمیت می‌دهند.

مدل کرمونا^۱: مدل دیگری که از کیفیات محیطی ارائه شده است، مدلی است که در کتاب Urban Public places, spaces آن پرداخته شده، که متیو کرمونا در آن ۶ وجه مختلف کیفیت‌های محیط شهری مطلوب را بیان می‌کند. این مولفه‌ها عبارتند از: مولفه کالبدی: بیانگر کیفیت‌هایی است که به کالبد محیط مربوط می‌باشند. قطعه‌بندی‌ها، بلوک‌بندی‌ها، کاربری زمین، الگوی مسیرها از عوامل تاثیرگذار بر کیفیت‌های کالبدی فضای شهری می‌باشند؛ مولفه ادراکی: ادراک، شامل جمع‌آوری، سازماندهی و حس کردن محیط است. بعد معنایی فضا یعنی کیفیت‌هایی از فضا که بر ادراک انسان تاثیر مستقیم دارند و به تعبیری که انسان از فضا می‌کند وابسته است؛ مولفه اجتماعی: شامل کیفیت‌های مثبت و منفی یک فضا از لحاظ اجتماعی است. بیانگر این مطلب است که فضا در شهر چگونه پاسخگوی حضور افراد در آن و رفتارهای متفاوت آن‌ها به لحاظ اجتماعی است. بنابراین تاثیرات فضا در عملکرد افراد و چگونگی تنظیم و کنترل رفتار ساکنین در محیط از مباحث اصلی ابعاد اجتماعی یک مکان است؛ مولفه بصری: لذت دیدن فضاهای شهری از عوامل تاثیرگذار بر ادراک و فهمیدن است. این تاثیر گاهی لحظه‌ای و گاهی دراز مدت است که بستگی به ویژگی خاصی دارد، که از آن دیده یا ادراک شده است. بعد بصری فضا شامل کیفیت‌هایی است که با دیده شدن فضا توسط حاضرین و ناظرین، بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد؛ مولفه عملکردی: از مهم‌ترین کیفیت‌های یک فضای شهری خوب قابل دسترس بودن آن برای تمامی گروه‌هاست. هم‌چنین وجود عملکردهای

متنوع و آزادی فعالیت‌های اجتماعی قابل قبول نیز از موارد دیگری است که موجب ارتقاء عملکرد محیط شهری می‌شود. بنابراین بعد عملکردی فضا مربوط به کیفیت‌هایی است که به فعالیت‌های موجود در فضا و عملکرد خود فضا وابسته‌اند؛ مولفه زمانی: استفاده از چرخه‌های فعالیتی و زمانی هم چون زندگی در روز، شب و فصول مختلف، در بهره‌گیری از فضاها، به طرح کمک می‌کند. بنابراین مدیریت زمانی در فضاهای عمومی از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری عملکردها و تغییرات فضایی می‌باشد.

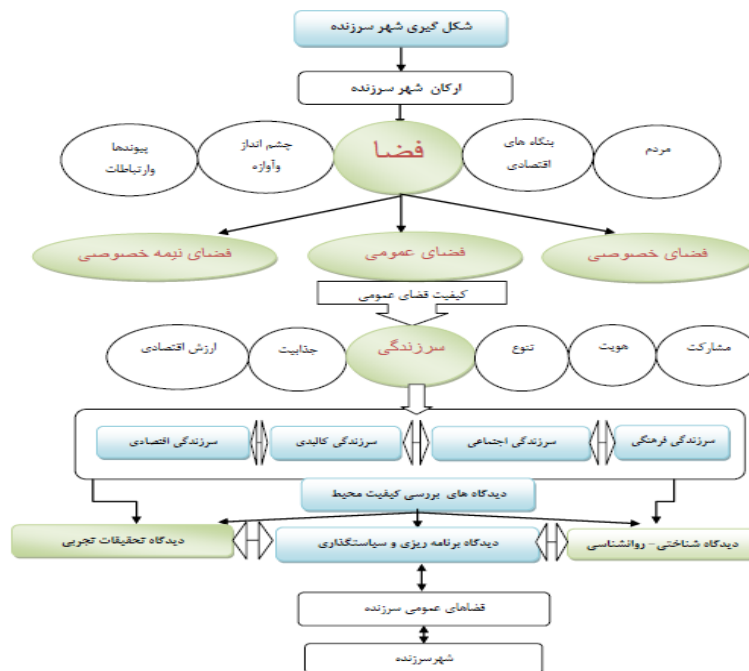
چارلز لاندری (۳۰)، مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده؛ او با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. او ۹ معیار موثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده بر می‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع‌تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عمده عوامل موثر بر آن‌ها اشاره نموده است. جدول (۱) چکیده مواردی است که لاندری به آن‌ها اشاره نموده است:

جدول شماره (۱): انواع سرزندگی شهری

انواع سرزندگی	سرزندگی
۱) سرزندگی اقتصادی: توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده فروشی‌ها، ارزش زمین و دارائی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.	سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی تظاهر فعالیت‌ها و تعاملات در جهان بیرونی)
۲) سرزندگی اجتماعی: به وسیله سطوح فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می‌شود. یک شهر سرزنده و زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی روابط موزون یک جامعه شهری با طراوت توصیف می‌گردد.	
۳) سرزندگی فرهنگی: در بر گیرنده بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن‌های اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر نشانه‌هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر می‌باشد است.	

منبع: (۳۰).

با توجه به تعاریف ارائه شده در رابطه با فعالیت و سرزندگی، یک (فضای شهری سرزنده) عبارت است از یک فضای شهری که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌های‌شان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می‌یابد به چشم می‌خورد. با توجه به نظریه‌ها و مدل‌های مطرح شده، مدل مفهومی پژوهش جهت بررسی سرزندگی فضاهای عمومی به شرح زیر قابل درک می‌باشد (شکل ۱).



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

محدوده مورد مطالعه

شهر تبریز به عنوان بزرگ‌ترین متروپل شمال غرب ایران با وسعتی حدود ۲۵ هزار هکتار در موقعیت جغرافیایی ۳۳°، ۱۱'، ۴۶" طول شرقی و ۳۸°، ۹'، ۱۰" عرض شمالی با ارتفاع متوسط ۱۳۴۰ متر در جلگه‌ای به نام جلگه تبریز واقع شده است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت منطقه شهری تبریز نزدیک ۲ میلیون نفر بوده است (۵۶). توماس هربرت در کتاب تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن هفدهم می‌نویسد: «این شهر نام خود را از کوهستان «توروس» که در دامنه آن قرار دارد گرفته است». جالب توجه است که به نوشته شاردن و اولتاریوس، اروپائیان نام این شهر را «توریز» می‌نامند، مارکوپولو نیز دو قرن پیش از شاردن از این شهر سخن به میان آورده نام آن را همان توریز نوشته است (۴). به احتمال قوی مارکوپولو نام شهر را از زبان ساکنان آن توریس یا توریز شنیده زیرا ابوالفداء هم که معاصر وی بوده متذکر می‌شود که «تبریز مشهورترین شهر آذربایجان است و عامه آن را توریز گویند» (۱).

در این مقاله سعی گردیده فضاهای عمومی را که بر حسب سابقه تاریخی خود در یکی از سه طبقه (فضاهایی که در گذشته فعال بوده و محل جمع‌کنندگی مردم در کنار هم بوده‌اند و در حال حاضر نیز این ویژگی خود را حفظ کرده‌اند، ولی در حال حاضر این ویژگی در آن‌ها کمرنگ شده است و فضاهای

عمومی که با توجه به سابقه تاریخی خود جدیداً شکل یافته‌اند) قرار می‌گیرند انتخاب و شاخص‌های سرزندگی را برای این فضاها بررسی نماید. در واقع سعی بر آن بوده فضاهای عمومی انتخاب و بررسی شوند که بیشترین سهم را در جذب شهروندان در گذشته و حال داشته‌اند که از این میان می‌توان به میدان تاریخی قطب و صاحب‌الامر اشاره کرد که بر اساس سوابق تاریخی خود در گذشته محل تجمع شهروندان بوده ولی در حال حاضر این ویژگی در این فضاها کمرنگ شده است. همچنین سعی گردیده فضاهای عمومی مورد مطالعه قرار گیرند که از گذشته تاکنون قابلیت جذب شهروندان را حفظ کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به پیاده راه تربیت و پارک ائل‌گولی اشاره نمود و در دسته دیگر سعی گردیده نمونه‌هایی از فضاهای عمومی انتخاب گردند که از نظر سابقه تاریخی جدیداً شکل یافته‌اند و در حال حاضر سهم قابل توجهی را در جذب شهروندان داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به مجتمع لاله پارک، محوطه شهرداری مرکز و سنگفرش ولیعصر اشاره نمود.



شکل شماره (۲): تصاویر انواع فضاهای عمومی مورد مطالعه

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به لحاظ ماهیت از نوع کاربردی بوده و به لحاظ روش، پیمایشی است. ابزار سنجش در این پژوهش مطالعات میدانی و پرسشنامه بوده است. جامعه آماری پژوهش بازدیدکنندگان از فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشند که بر اساس طیف لیکرت (۱-۵) میزان رضایت خود از شاخص‌های سرزندگی در فضاهای عمومی مورد مطالعه را امتیازدهی نموده‌اند. به طوری که نمونه پژوهش شامل ۲۴۵ نفر است که به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین بازدیدکنندگان از فضاهای عمومی شهر تبریز انتخاب شدند. که از این ۲۴۵ نفر، به فضاهای عمومی فعال در گذشته (شامل میدان قطب و میدان صاحب‌الامر)، فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون (شامل ائل‌گولی و محور پیاده‌تربیت) و فضاهای عمومی جدید (شامل لاله پارک، سنگفرش ولیعصر و محوطه ساختمان شهرداری ابوریحان) به ترتیب ۷۰، ۷۰ و ۱۰۵ نفر تخصیص داده شده است. در این تحقیق، برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری یعنی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده در این تحقیق برابر با ۰/۸۶۸ می‌باشد که نشان می‌دهد ضریب پایایی در سطح قابل قبولی است. به منظور سنجش روایی پرسشنامه، قبل از توزیع، نظرات اساتید و تنی چند از محققان فعال و کارشناسان در مورد ساختار پرسشنامه و محتوای آن دریافت شد و اصلاحات لازم بر روی پرسشنامه اعمال گردیده و پرسشنامه بر اساس روش اعتبار محتوا دارای روایی است. همچنین پرسشنامه بر اساس پوشش کامل مبانی نظری تدوین گردیده تا اعتبار محتوایی آن مورد تایید قرار گیرد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل واریانس چندمتغیری^۱ (مانوا) و آزمون فریدمن استفاده شده است. تجزیه و تحلیل با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری صورت گرفته است. تحلیل واریانس چندمتغیری در واقع گسترش تحلیل واریانس به موقعیت‌هایی است که در آن‌ها بیش از یک متغیر وابسته وجود دارد (۲). برای کاهش خطای نوع اول از تصحیح بن‌فرونی^۲ و به جای آلفای رسمی از آلفای تعدیل شده استفاده گردید. بدین ترتیب در پژوهش حاضر آلفای ۰/۰۵ بر تعداد متغیرهای وابسته تقسیم و سطح ۰/۰۱۲۵ در نظر گرفته شد ($0.0125 = 0.05 / 4$). متغیرهای وابسته با یکدیگر ارتباط خطی و معنادار دارند و در عین حال مساله همخطی چندگانه^۳ بین زوج متغیرها وجود ندارد و بدین ترتیب یکی از مفروضه‌های اصلی تحلیل واریانس چندمتغیری وجود دارد. از آن جایی که مولفه‌های سرزندگی به هم مربوطند، میزان همبستگی این متغیرها با یکدیگر قابل توجه است. از این گذشته بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، سایر شرایط همگنی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس با آزمون باکس^۴، نرمال بودن تک متغیره توزیع متغیرها با آماره‌ی کولموگوروف^۵ - اسمیرنوف^۶ و نرمال

1. MANOVA
 2. Bonferroni correction
 3. multiple collinearity
 4. Box test
 5. Kolmogorov
 6. Smirnov

بودن چندمتغیره با نمودار پراکنش بین فاصله‌های ماهالانویس و چندک‌های کای-اسکور نیز برقرار است. هم‌چنین برای شناسایی اولویت‌های اقدام در جهت سرزنده کردن فضاهای عمومی از آزمون فریدمن بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

با توجه به جدول شماره (۲) بیشترین فراوانی پاسخ دهندگان مربوط به مردان، رده سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال، تحصیلات دیپلم و زیردیپلم بوده است.

جدول شماره (۲): مشخصات نمونه آماری

جنس	تعداد	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	سن	فراوانی	درصد
مرد	۱۲۴	۵۰/۶	بی‌سواد	۷	۲/۹	کمتر از ۲۰ سال	۱۲	۴/۹
زن	۱۲۱	۴۹/۴	دیپلم و زیردیپلم	۱۲۸	۵۲/۲	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۰۰	۴۰/۸
			فوق دیپلم و لیسانس	۸۹	۳۶/۳	۳۱ تا ۴۰ سال	۶۰	۲۴/۵
			فوق لیسانس و بالاتر	۲۱	۸/۶	۴۱ تا ۵۰ سال	۳۵	۱۴/۳
						۵۱ تا ۶۰ سال	۲۷	۱۱/۰
						بزرگتر از ۶۰	۱۱	۴/۵
						جمع	۲۴۵	۱۰۰

جدول (۳)، میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های سرزندگی شامل «سرزندگی اجتماعی»، «سرزندگی اقتصادی»، «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی کالبدی» را به تفکیک فضاهای عمومی مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): نتایج آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

فضاهای عمومی شهری	شاخص	سرزندگی اجتماعی	سرزندگی اقتصادی	سرزندگی فرهنگی	سرزندگی کالبدی
	تعداد	۷۰	۷۰	۷۰	۷۰
فضاهای عمومی فعال در گذشته	میانگین	۱۴/۵۱	۷/۸۱	۳۰/۶۶	۴۵/۷۳
	انحراف استاندارد	۲/۶۳	۲/۳۵	۶/۰۰	۱۰/۱۲
	تعداد	۷۰	۷۰	۷۰	۷۰
فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون	میانگین	۱۷/۴۱	۱۰/۳۶	۳۲/۰۷	۵۷/۷۹
	انحراف استاندارد	۳/۶۰	۲/۴۳	۵/۱۳	۱۰/۰۴
	تعداد	۱۰۵	۱۰۵	۱۰۵	۱۰۵
فضاهای عمومی جدید	میانگین	۱۷/۰۲	۹/۵۸	۲۹/۹۶	۵۵/۵۲
	انحراف استاندارد	۳/۵۴	۲/۷۰	۴/۹۷	۸/۸۳

بر اساس نتایج مندرج در این جدول، میانگین نمره «سرزندگی اجتماعی» برای فضاهای عمومی «فعال در گذشته»، «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» به ترتیب برابر با ۱۴/۵۱، ۱۷/۴۱ و ۱۷/۰۲، میانگین نمره «سرزندگی اقتصادی» برای فضاهای عمومی «فعال در گذشته»، «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» به ترتیب برابر با ۷/۸۱، ۱۰/۳۶ و ۹/۵۸، میانگین نمره «سرزندگی فرهنگی» برای فضاهای عمومی «فعال در گذشته»، «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» به ترتیب برابر با ۳۰/۶۶، ۳۲/۰۷ و ۲۹/۹۶ و میانگین نمره «سرزندگی کالبدی» برای فضاهای عمومی «فعال در گذشته»، «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» به ترتیب برابر با ۴۵/۷۳، ۵۷/۷۹ و ۵۵/۵۲ است.

- ارزیابی سرزندگی در فضاهای عمومی کلانشهر تبریز در ابعاد مختلف
جدول (۴) خلاصه تحلیل واریانس چندمتغیره برای مولفه‌های سرزندگی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز را گزارش می‌کند.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای مولفه‌های سرزندگی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز

نام آزمون	ارزش	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	مقدار آماره F	سطح معنی‌داری
اثر پیلابی	۰/۳۳۴	۸	۴۸۰	۱۲/۰۰۹	$P < ۰/۰۰۱$

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ترکیب خطی مولفه‌های «سرزندگی اجتماعی»، «سرزندگی اقتصادی»، «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی کالبدی» در بین گروه‌ها (فضاهای عمومی فعال در گذشته، فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون و فضاهای عمومی جدید) از نظر آماری به طور معنی‌داری متفاوت است ($F = ۱۲/۰۰۹$, $P < ۰/۰۰۱$).

برابری واریانس خطاها برای هر یک از مولفه‌های سرزندگی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز با استفاده از آزمون لون بررسی و تایید شد. بنابراین تحلیل‌های مربوط به اثرات بین آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار گرفت که در جدول (۵) آمده است.

جدول شماره (۵): آزمون‌های اثرات بین گروهی

منبع	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری (P)
گروه	سرزندگی اجتماعی	۳۶۱/۱۰	۲	۱۸۰/۵۵	۱۶۳۷۴	۰/۰۰۰
	سرزندگی اقتصادی	۲۴۱/۰۳	۲	۱۲۰/۵۲	۱۸۸۶۲	۰/۰۰۰
	سرزندگی فرهنگی	۱۸۸/۰۱	۲	۹۴/۰۱	۳۳۱۲	۰/۰۳۸
	سرزندگی کالبدی	۵۹۳۹/۳۸	۲	۲۹۶۹/۶۹	۳۲/۴۶۰	۰/۰۰۰
خطا	سرزندگی اجتماعی	۲۶۶۷/۴۳	۲۴۲	۱۱/۰۳		
	سرزندگی اقتصادی	۱۵۴۶/۲۲	۲۴۲	۶/۳۹		
	سرزندگی فرهنگی	۶۸۶۷/۲۶	۲۴۲	۲۸/۳۸		
	سرزندگی کالبدی	۲۲۱۳۹/۸۲	۲۴۲	۹۱/۴۹		

- ارزیابی سرزندگی اجتماعی در فضاهای عمومی کلانشهر تبریز همان طور که سطر گروه جدول (۵) نشان می‌دهد میزان سرزندگی اجتماعی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز (فضاهای عمومی فعال در گذشته، فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون و فضاهای عمومی جدید) متفاوت است ($F = 16/374$ و $P < 0/0125$). حال برای مقایسه این که میزان «سرزندگی اجتماعی» در کدام دو فضا تفاوت معنی‌داری دارد؛ از آزمون تعقیبی LSD استفاده می‌شود. نتایج حاصل از انجام این آزمون در جدول (۶) آورده شده است.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون تعقیبی LSD برای مولفه سرزندگی اجتماعی

P	اختلاف میانگین‌ها (I-J)	فضاهای عمومی شهر (J)	فضاهای عمومی شهر (I)
0/000	-2/900	فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون	فضاهای عمومی فعال در گذشته
0/000	-2/505	فضاهای عمومی جدید	فضاهای عمومی فعال در گذشته
0/441	0/395	فضاهای عمومی جدید	فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون

با توجه به نتایج این جدول مشاهده می‌شود که میزان سرزندگی اجتماعی در فضاهای عمومی «فعال در گذشته» و «فعال از گذشته تاکنون» و همچنین فضاهای عمومی «فعال در گذشته» و «جدید» تفاوت معناداری دارد ($P < 0/05$). ولی میزان سرزندگی اجتماعی در فضاهای عمومی «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» تفاوت معنی‌داری ندارد ($P > 0/05$).

همچنین با توجه به جدول (۳) مشاهده می‌شود که در بین فضاهای عمومی مورد بررسی، «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» با میانگین ۱۷/۴۱ از نظر سرزندگی اجتماعی دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» با میانگین ۱۴/۵۱ دارای کمترین میزان است.

- ارزیابی سرزندگی اقتصادی در فضاهای عمومی کلانشهر تبریز همان طور که سطر گروه جدول (۵) نشان می‌دهد میزان سرزندگی اقتصادی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز (فضاهای عمومی فعال در گذشته، فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون و فضاهای عمومی جدید) متفاوت است ($F = 18/862$ و $P < 0/0125$). حال برای مقایسه این که میزان «سرزندگی اقتصادی» در کدام دو فضا تفاوت معنی‌داری دارد؛ از آزمون تعقیبی LSD استفاده می‌شود. نتایج حاصل از انجام این آزمون در جدول (۷) آورده شده است.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون تعقیبی LSD برای مولفه سرزندگی اقتصادی

P	اختلاف میانگین‌ها (I-J)	فضاهای عمومی شهر (J)	فضاهای عمومی شهر (I)
0/000	-2/54	فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون	فضاهای عمومی فعال در گذشته
0/000	-1/77	فضاهای عمومی جدید	فضاهای عمومی فعال در گذشته
0/048	0/78	فضاهای عمومی جدید	فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون

با توجه به نتایج این جدول مشاهده می‌شود که میزان سرزندگی اقتصادی در فضاهای عمومی «فعال» در گذشته» و «فعال از گذشته تاکنون»، فضاهای عمومی «فعال در گذشته» و «جدید» و همچنین فضاهای عمومی «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» تفاوت معناداری دارد ($P < 0/05$). همچنین با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود که در بین فضاهای عمومی مورد بررسی، «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» با میانگین $10/36$ از نظر سرزندگی اقتصادی دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» با میانگین $7/81$ دارای کمترین میزان است.

– ارزیابی سرزندگی فرهنگی در فضاهای عمومی کلانشهر تبریز

همان طور که سطر گروه جدول (۵) نشان می‌دهد میزان سرزندگی فرهنگی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز (فضاهای عمومی فعال در گذشته، فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون و فضاهای عمومی جدید) متفاوت نیست ($F = 3/312$ و $P > 0/0125$). حال با توجه به این که میزان سرزندگی فرهنگی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز تفاوت معنی‌داری ندارد؛ بنابراین از آزمون تعقیبی LSD استفاده نشده است.

– ارزیابی سرزندگی کالبدی در فضاهای عمومی کلانشهر تبریز

همان طور که سطر گروه جدول (۵) نشان می‌دهد میزان سرزندگی کالبدی در انواع فضاهای عمومی شهر تبریز (فضاهای عمومی فعال در گذشته، فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون و فضاهای عمومی جدید) متفاوت است ($F = 32/460$ و $P < 0/0125$). حال برای مقایسه این که میزان «سرزندگی کالبدی» در کدام دو فضا تفاوت معنی‌داری دارد؛ از آزمون تعقیبی LSD استفاده می‌شود. نتایج حاصل از انجام این آزمون در جدول (۸) آورده شده است.

جدول شماره (۸): نتایج آزمون تعقیبی LSD برای مولفه سرزندگی کالبدی

Sig	اختلاف میانگین‌ها (I-J)	فضاهای عمومی شهر (J)	فضاهای عمومی شهر (I)
0/000	-12/06	فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون	فضاهای عمومی فعال در گذشته
0/000	-9/80	فضاهای عمومی جدید	فضاهای عمومی فعال در گذشته
0/127	2/26	فضاهای عمومی جدید	فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون

با توجه به نتایج این جدول مشاهده می‌شود که میزان سرزندگی کالبدی در فضاهای عمومی «فعال» در گذشته» و «فعال از گذشته تاکنون» و همچنین فضاهای عمومی «فعال در گذشته» و «جدید» تفاوت معناداری دارد ($P < 0/05$). ولی میزان سرزندگی کالبدی در فضاهای عمومی «فعال از گذشته تاکنون» و «جدید» تفاوت معنی‌داری ندارد ($P > 0/05$).

همچنین، با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود که در بین فضاهای عمومی مورد بررسی، «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» با میانگین ۵۷/۷۹ از نظر سرزندگی کالبدی دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» با میانگین ۴۵/۷۳ دارای کمترین میزان است. حال پس از مشخص شدن وضعیت سرزندگی انواع فضاهای عمومی؛ برای پاسخ به این سوال که «توجه به کدام شاخص‌ها جزو اولویت‌های اقدام در راستای سرزنده کردن فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد؟»؛ از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۹) آمده است.

جدول شماره (۹): نتایج آزمون فریدمن (بررسی اولویت‌های اقدام سرزنده کردن فضاهای عمومی)

میانگین رتبه	مؤلفه‌های سرزندگی
۱/۹۹	سرزندگی اجتماعی
۱/۰۲	سرزندگی اقتصادی
۳/۰۰	سرزندگی فرهنگی
۴/۰۰	سرزندگی کالبدی
سطح معنی‌داری (Sig) ۰/۰۰۰	آماره کای دو = ۷۲۷/۸۶

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که میانگین رتبه محاسبه شده برای سرزندگی اجتماعی برابر با ۱/۹۹، سرزندگی اقتصادی برابر با ۱/۰۲، سرزندگی فرهنگی برابر با ۳ و سرزندگی کالبدی برابر با ۴ می‌باشد. همچنین مقدار آماره کای دو برابر با ۷۲۷/۸۶ و سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۰ است. چون مقدار سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، لذا با اطمینان ۹۹ درصد مؤلفه‌های سرزندگی شامل «سرزندگی اجتماعی»، «سرزندگی اقتصادی»، «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی کالبدی» در سطح برابری نیستند. همچنین با توجه به جدول (۹) می‌توان اذعان داشت که «سرزندگی کالبدی» با میانگین رتبه ۴ دارای بیشترین رضایت و «سرزندگی اقتصادی» با میانگین رتبه ۱/۰۲ دارای پایین‌ترین رضایت در فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد. مؤلفه‌های «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی اجتماعی» به ترتیب با میانگین رتبه ۳ و ۱/۹۹ در رتبه‌های دوم و سوم هستند. بنابراین با تقویت شاخص‌های مربوط به «سرزندگی اقتصادی» و «سرزندگی اجتماعی» می‌توان میزان سرزندگی را در فضاهای عمومی شهر تبریز به میزان قابل توجهی افزایش داد.

بحث و نتیجه‌گیری

احساس ضرورت مدیریت فضاهای عمومی شهری مستلزم رفع خلاءهای موجود و شناسایی راه‌حل‌های مناسب جهت حل این مسئله است. با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به دست آمده از استفاده کنندگان فضاهای عمومی مورد مطالعه مشخص گردید که اکثر استفاده کنندگان از این فضاها از نظر میزان تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم می‌باشد که این امر بر اساس اندیشه فلوریدا نشان می‌دهد فضاهای عمومی شهر تبریز به گونه‌ای طراحی نشده‌اند که بتوانند طبقه خلاق جامعه (شامل افرادی که در علم مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر و سرگرمی ایده‌های جدید، فناوری نوین و یا محتوایی خلاقانه عرضه می‌کنند) را به خود جذب نموده و فضاهای عمومی را رونق بخشند و در نهایت باعث شکوفایی و سرزندگی فضاهای عمومی شهری گردند. به طوری که نتایج حاصل از تحلیل وضع موجود فضاهای عمومی مورد مطالعه از دیدگاه بازدیدکنندگان از این فضاها در ۵ بعد سرزندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی نشان می‌دهد؛ هیچ کدام از شاخص‌ها در طیف مطلوبیت خیلی زیاد قرار نگرفته و در کل از نظر سطح کیفیت متوسط ارزیابی گردیده است که این یافته با یافته حبیبی و همکاران (۱۳۹۵) که نتیجه‌گیری کردند؛ سرزندگی محیطی برای جوانان اهمیت زیادی داشته و بین وضعیت تحصیلی و درک سرزندگی فضای شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد به طوری که با افزایش تحصیلات درک سرزندگی افزایش می‌یابد همسویی دارد.

با توجه به این که پژوهش حاضر سه طبقه فضای عمومی («فضاهای عمومی فعال در گذشته»، «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» و «فضاهای عمومی جدید») را مورد توجه قرار داده و سعی کرده با بررسی وضع موجود هر سه طبقه؛ شاخص‌های مهم جهت سرزنده کردن این فضاها خصوصاً فضاهای عمومی که بر اساس سابقه تاریخی در گذشته محل تجمع مردم بوده ولی امروزه این نقش خود را از دست داده‌اند، شناسایی کند. بر این اساس نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد میزان سرزندگی اجتماعی، سرزندگی اقتصادی و سرزندگی کالبدی در هر سه طبقه فضاهای عمومی تفاوت معناداری دارد؛ و تنها سرزندگی فرهنگی در هر سه طبقه فضاهای عمومی تفاوت معناداری ندارد. به طوری که در بین فضاهای عمومی مورد بررسی، از نظر سرزندگی اجتماعی «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» دارای کمترین میزان است. از نظر سرزندگی اقتصادی «فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» دارای کمترین میزان و از نظر سرزندگی کالبدی فضاهای عمومی فعال از گذشته تاکنون» دارای بیشترین میزان و «فضاهای عمومی فعال در گذشته» دارای کمترین میزان است.

به طوری که می‌توان نتیجه گرفت برای سرزندگی «فضاهای عمومی فعال در گذشته» از جمله میدان قطب و صاحب‌الامر که در گذشته سرزنده بوده ولی امروزه سرزندگی آن‌ها کم‌رنگ گردیده به ترتیب شاخص‌های سرزندگی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

همچنین بر اساس بررسی کلی صورت گرفته با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان بیان کرد مؤلفه‌های سرزندگی شامل «سرزندگی اجتماعی»، «سرزندگی اقتصادی»، «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی کالبدی» در سطح برابری نیستند؛ به طوری که «سرزندگی کالبدی» دارای بیشترین رضایت و «سرزندگی اقتصادی» دارای پایین‌ترین رضایت در فضاهای عمومی شهر تبریز می‌باشد. مؤلفه‌های «سرزندگی فرهنگی» و «سرزندگی اجتماعی» به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم هستند.

بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد با تقویت شاخص‌های مربوط به «سرزندگی اقتصادی» (نمایش گذاشتن هنرهای بومی و محلی، به نمایش گذاشتن صنایع دستی و افزایش قابلیت جذب سرمایه‌گذار) و «سرزندگی اجتماعی» (بسترسازی برقراری ارتباط راحت با دیگران، ایجاد امنیت، بسترسازی جهت گذران اوقات فراغت تا حد معرفی به آشنایان و دوستان، برگزاری جشنواره‌ها، و نمایشگاه‌ها برای گروه‌های سنی مختلف) می‌توان میزان سرزندگی را در فضاهای عمومی شهر تبریز به میزان قابل توجهی افزایش داد. بنابراین از میان پنج بعد مورد بررسی توجه مسئولان و مدیران شهری به دو بعد (سرزندگی اقتصادی و اجتماعی) ضروری می‌نماید.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abolfada, Ismael Ben Ali. (1392). Taghvim Alboldan, Translated by AbdolAli Birjandi, Islamic Consultative Assembly Publications, Tehran. <https://www.adinehbook.com/gp/product/6002201706>
2. Adelaide, A. M. Nickel Waxman, Penny, M. (1999). A Practical Guide to Prepare and Show Statistical Tables in Behavioral Research (Translated by Heidar Ali Hooman and AliAsgari (1388)), Tehran: Samt. (1388) <https://shop.3gaam.com>
3. Ahmadi, Ali. (2016). Investigating the vitality of the target tissues of urban regeneration programs and providing strategies for its improvement (Case study: Shiva neighborhood, Tehran), Haft Shahr, Issues 47-48, pages 85-96. http://www.haftshahrjournal.ir/article_14676.html
4. Alarius, Adam. (1363). Travelogue of Adam Alarius: Iran Section, translated by Ahmad Behpour, Ebtekar Publishing and Cultural Organization, Tehran. <https://wikinoor.ir>
5. Alijani, Behlool. (2016). Spatial Analysis, Journal of Spatial Analysis of Environmental Hazards, Second Year, No. 3, Pages 1-14. https://jsaeh.khu.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-3-23&slc_lang=fa&sid=1
6. Aulia, DwiraNirfalini. (2016). A Framework for Exploring Livable Community in Residential Environment. Case Study: Public Housing in Medan, Indonesia, Social and Behavioral Sciences, P.p: 336–343. <https://cyberleninka.org/article/n/1455112>
7. Aluri, Jahnvi. (2017). Livability Index, from Columbia University GSAPP, Prepared for Manhattan Community Board. <https://www1.nyc.gov/assets/manhattancb1>
8. Azar, Ali. (1394). Analysis of vitality and sustainability in residential complexes of Tabriz metropolis with emphasis on private neighborhoods, PhD thesis, Department of Urban Planning, University of Tabriz. http://www.jgeoqeshm.ir/article_54762.html
9. Badland, Hannah. Whitzman, Lowe, Aye, Butterworth, Hes. (2014). Urban Liveability: Emerging Lesson From Australian for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health, Social Science and Medicine, No 111, P.p: 64-73. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov>
10. Bentley, Jan. (2003). Responsive Environments, translated by Mostafa Behzadfar, Tehran: Publishing Center of University of Science and Technology. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/686513>
11. Brown, A., & Kristiansen, A. (2009). Urban Policies and the Right to the City; Rights, responsibilities and citizenship. UN-HABITAT and UNESCO. <http://hic-gs.org/content/urban%20policies-R2C.pdf>
12. Calthrope, P. (1993). The next American Metropolis, Princeton Architectural Press, New York. <https://www.amazon.com/Next-American-Metropolis-Ecology-Community/dp/1878271687>
13. Carmona, Matthew and Heath, Tim. (2003). Public places, Urban spaces. Architectural press. <https://www.amazon.com/Public-Places-Urban-Spaces-Second/dp/1856178277>
14. Carmona, Matthew, Heath, Tim. Ak, Tenrotisdell, Steven. (2009). Public Places, Urban Spaces: Various Dimensions of Urban Design, Translation of Qaraei, Shokouhi, Ahari and Salehi, Tehran, University of Arts press. <https://www.gisoom.com/book/11192386>

15. Carr, S., M. Francis, L.G., Rivlin; A. M., Stone. (1992). *Public Space*, Cambridge, Cambridge University Press. <https://www.worldcat.org/title/public-space/oclc/781454661>
16. DETRT. (2000). *By Design, Urban design in Planning System: towards better practice*. Commission for discussion on the governance of 'Creative Cities': Some insights for policy action. https://pages.northeastern.edu/CAMDARCHITECTUREPSCH201908Search_LPFA.html?utm_campaign=mofu-niche&utm_medium=
17. Einali, Jamshid. Mohammadi Yeganeh, Behrooz and Mohammadi, Zahra. (1398). Assessing the methods of reconstruction of rural settlements after the earthquake with emphasis on rural vitality (Case study: Dastjerdeh village of Tarom city), *Human settlement planning studies*, Volume 14 (Number 2), Pages 359-376. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=509620>
18. Florida, R. L. (2004). *Cities and the creative class*, London: Routledge. <http://urizen-geography.nsm.du.edu/>
19. Florida, R., & Tinagli, I. (2004). *Europe in the creative age*, London: Demos. http://creativeclass.com/rfcgdb/articles/Europe_in_the_Creative_Age_2004.
20. Florida, Richard. (2002). *The Rise of the Creative Class. And how it's Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life*. New York, N.Y: Basic Books. <https://www.worldcat.org>.
21. Florida, Richard. (2005). "Cities and creative class". Routledge. UAS. http://urizengeography.nsm.du.edu/~psutton/AAA_Sutton_WebPage/Sutton/Courses.
22. Florida, Richard. (2008). *Who's your city? How the Creative Economy is Making Where to Live the Most Important Decision of Your Life*. New York, N.Y: Basic Books. <https://www.amazon.com/Whos-Your-City-Creative-Important/dp/0465018092>
23. Golkar, Kouros. (2001). *Components of Quality in Urban Design*, Page 32. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=33257>
24. Goodmann, W. (1968). *Principles and practice of urban planning*, International City Managers Association, Washington. <https://scholar.google.com/>
25. Guten, Andre. (1979). *Urbanism in the service of human*, translated by Houshang Naghi, National University Press. <http://www.hepl.ir/UI/31240708-c1c2-44cc-9c86-f8801fb31476/Catalogue.aspx>
26. Habibi, Kiyomars. Nastaran, Mahin and Mohammadi, Mehrdad. (1395). Measuring and evaluating the vitality of urban public spaces and its role in improving the quality of life of young people (Case study: Nazar Sharghi St., of Isfahan), *Geography and Urban-Regional Planning*, No. 19, Summer, P.p: 161-180. <http://ensani.ir/fa/article/359014>
27. Jacobs, Jane. (1991). *The Death and Life of Major American Cities*, translated by Hamidreza Parsi, Arezoo Aflatooni, Tehran, Tehran University Press: <https://www.gisoom.com/book/1994104>
28. Khasto, Maryam and Saeedi Rezvani, Navid. (2010). *Factors Affecting the Vitality of Urban Spaces (Creating a Living Urban Space Based on the Concept of Pedestrian Shopping Center)*, *Hoviyat Shahr Magazine*, No. 6, P.p: 63-74. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=112381>

29. Lang, Jan. (2007). *The Creation of Architectural Theory, The Role of Behavioral Sciences in the Environment*, Translated by Alireza Einifar, Tehran University Press. <https://www.gisoom.com/book/11200022>
30. Landry, C. (2004). *Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness*, prince claus fund journal, ARCHIS issue Urban Vitality / Urban Heroes. <https://www.google.com/sear>
31. Lopes, M.N. and Camanho, A.S. (2012). *Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: An Assessment of European Cities*, Springer Science+Business Media B.V., P.p: 1-17. <https://www.jstor.org/stable/24719534?seq=1>
32. Lynch, Quinn. (1981). *Theory of the good shape of the city*, translated by Seyed Hossein Bahreini, Tehran University Press. <https://www.gisoom.com/book/1121383>
33. Lynott, Jana. Harrell, Rodney. Guzman, Shannon and Gudzinis, Brad. (2018). *The Livability Index: Transforming Communities for All Ages*, AARP Public Policy Institute. <https://www.aarp.org/>
34. Mikaeli Hachesoo, Golnaz and Azar, Ali. (2017). *A comparative study and evaluation of urban vitality in private neighborhoods and traditional neighborhoods with a sustainable development approach in geography (Case study: Tabriz metropolis)*, *Geography Quarterly (Regional Planning)*, Year 7, Issue 3, Summer, P.p: 269-284. http://www.jgeoqeshm.ir/article_54762.html
35. Madanipour A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*, Routledge, London and New York Smith (eds) *Philosophy and Geography II: The Production of Public Space*, Lanham, MD, Rowman & Littlefield. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13574801003638111?scroll=top&needAccess=true&journalCode=cjud20>
36. Madanipour, A. (1992). *why are the design and development of public spaces significant for cities?* *Environment and Planning B: Planning and Design*, 26, P.p: 879-891. <https://www.semanticscholar.org/paper/Why-are-the-Design-and-Development-of-Public-Spaces-Madanipour/3b0611e7b81a24a493553d546c85527b094f2fd1>
37. Onnom, Worawej. Tripathi, Nitin. Nitivattananon, Vilas & Ninsawat, Sarawut. (2018). *Development of a Liveable City Index (LCI) Using Multi Criteria Geospatial Modelling for Medium Class Cities in Developing Countries*. <https://www.mdpi.com>
38. Pacione, Michael. (1986). *Quality of life in Glasgow: An applied geographical analysis*. *Environment and Planning A*, 18 (11), P.p: 1499–1520. <https://journals.sagepub.com>.
39. Pacione, Michael. (2003). *Quality-of-life research in urban geography*. *Urban Geography*, 24 (4), P.p: 314,339. <https://www.tandfonline.com>.
40. Pacione, Michael. (2005). *Quality-of-life research in urban geography*. *Urban Geography*, 24 (4), P.p: 314–339. <https://scholar.google.com>.
41. Pakzad, Jahanshah. (2006). *Theoretical Foundations and Process of Urban Design*, Ministry of Housing and Urban Development, Deputy of Urban Planning and Architecture, Secretariat of the Supreme Council of Urban Planning and Architecture <https://www.mrud.ir/books/>.
42. Panahi, Ali. Ahmadzadeh, Hassan and Aref Hosseini, Seyed Ali. (1399). *Measuring and evaluating the mental dimension of livability in urban metropolitan areas of Tabriz using multivariate analysis (MANOVA)*, *Journal of Geography and Planning*, Spring. <https://geoplanning.tabrizu.ac.ir>

43. Pour Mohammadi, Mohammad Reza. Sadr Mousavi, Mirsatar and Azar, Ali. (2010). Study and analysis of sustainability and vitality of Tabriz regions with emphasis on urban security with a sociological perspective, *Journal of Sociological Studies*, Spring, Volume 2, Number 6, Pages 7-25. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=202752>
44. Pourmohammadi, Mohammadreza and Kooshaneh, Roshan. (2013). Evaluation and analysis of urban public spaces using TOPSIS model (Case study: Tabriz city), *Urban and regional studies and researches of the fifth year*, number seventeen. <http://ensani.ir/fa/article/319158>
45. Rafeian, Mojtaba. Taghvaei, Ali Akbar. Khademi, Masoud. Alipour, Roja. (2012). A Comparative Study of Quality Measurement Approaches in the Design of Urban Public Spaces, *Scientific-Research Journal of the Scientific Association of Architecture and Urban Planning of Iran*, No. 4, P.p: 43-35. http://www.isau.ir/article_61953.html
46. Rafeian, Mojtaba and Hosseinpour, Seyed Ali. (2012). *City, Space, Urban Management*, Mashhad: Tahan Publications. <https://www.gisoom.com/book/1831795>
47. Rahbari, Laden and Sharipour, Mahmoud. (2014). Gender and the Right to the City: A Test of Loaffer Theory in Tehran, *Sociology of Iran*, Spring 15, 2014, No. 1, P.p: 1-20. <http://ensani.ir/fa/article/344137>
48. Rahimi, Leila and Jafari, Firoozeh. (2017). A Comparative Study of Vitality in Historical and Modern Commercial Spaces of Tabriz (Case Study: Historical Bazaar and Crystal Tower of Tabriz), *Quarterly Journal of Spatial Planning (Geography)*, Year 7, Fourth Issue, Winter, P.p: 41-56. <http://ensani.ir/fa/article/396793>
49. Rogers, S. (1968). *Performance Management in Local Government: The Route to Best Value*, (2nd edn), London, Financial Times/Pitman Publishing. <https://www.cornerstoneondemand.com>
50. Rogers, W. (2003). *The excellent city park system*, In *What Makes it Great and how to Get There*, (ed)p Harnik. The Trust for Public Land; pub, Washington, DC. <https://www.tpl.org/excellent-city-park-system>
51. Romiani, Ahmad. Sadeghlou, Tahereh and Sanai Moghadam, Soroush. (1398). Analysis of villagers' attitudes and expectations from public spaces in order to improve the quality of life (Case study: Dehdasht Gharbi village-Kohgiluyeh city), *Journal of Geography and Planning*, 23, No. 68, P.p: 133-154. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=530093>
52. Roustaei, Shahrivar Vasedi, Ahmad. (1398). A Study of Vitality and Its Relationship with the Selection of Residential Areas (Case Study: Dilapidated Central Texture of Zanjan), *Journal of Geography and Planning*, Volume 23, Number 67, Spring, Pages 45-65. Pour Mohammadi, Mohammad Reza. https://geoplanning.tabrizu.ac.ir/article_8740.html
53. Sardari Nia, Samad. (2002). *Tabriz, the city of the firsts*, Azerbaijan Culture and Art Center. <https://www.adinehbook.com/gp/product/9640607568>
54. Seif al-Dini, Frank. (2002). *Fundamentals of Urban Planning*, First Edition, Ayizh Publications, Tehran, page 156. <https://www.gisoom.com/book/1626138>

-
55. Shahi Aqbalaghi, Aref. Zanganeh, Yaqub. Khodabandeh Lou, Hassan and Droudinia, Abbas. (2016). Assessing the quality indicators of the urban environment (Case study: Maskn Mehr of, Sabzevar), Geographical studies of arid areas, Volume 7, Number 20, Winter, P.p: 54-72. http://journals.hsu.ac.ir/jarhs/browse.php?a_code=A-10-1303-2&slc_lang=fa&sid=1
56. Statistics Center of Iran. (2016). Summary of Population Statistics of Iran in 2016, Tehran: Statistics Center of Iran. <https://www.amar.org.ir>
57. Tabibian, Manouchehr and Mousavi, Mir Jalal. (2016). Investigating the role of beautification and improving the quality of the environment on urban vitality (Case study: Garden of the historical city of Maragheh), Armanshahr Architecture and Urbanism, No. 17, Fall and Winter, P.p: 249-262. http://www.armanshahrjournal.com/article_44630.html
58. UNESCO. (2007). "Creative Cities Network". <https://scholar.google.com>.
59. Van Poll, R. (1997). The perceived quality of the urban residential environment. A Multi-attribute evaluation. Ph-thesis, Groningen: University of Groningen. <https://www.rug.nl/research/portal/files/3214903/thesis.pdf>
60. www.pps.org(2009).